

## بررسی رابطه مدیریت کلاس با مشارکت فعال دانش آموزان در فرایند یادگیری

زهرا علی پور<sup>۱</sup>، ملیحه پورحیدرکندجانی<sup>۲</sup>، رعنا ایرملوی بیگ کندی<sup>۳</sup>، پریسا ایرملوی بیگ کندی<sup>۴</sup>، سلما زینالزاده<sup>۵</sup>

چکیده



مشارکت کلاس درس یکی از مؤلفه های اساسی در فرایند تعلیم و تربیت است که نقش تعیین کننده ای در کیفیت مشارکت و میزان مشارکت فعال دانش آموزان ایفا می کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه مدیریت کلاس با

مشارکت فعال دانش آموزان در فرایند یادگیری انجام شده است. این مطالعه به روش مروری و با استفاده از منابع کتابخانه ای، مقالات علمی معتبر و پژوهش های داخلی و خارجی مرتبط صورت گرفته است. یافته ها نشان می دهد که شیوه های مطلوب مدیریت کلاس، از جمله ایجاد نظم منطقی، برقراری ارتباط مؤثر میان معلم و دانش آموز، استفاده از روش های تدریس فعال، توجه به تفاوت های فردی و ایجاد فضای حمایتی و انگیزشی، تأثیر مستقیمی بر افزایش مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای آموزشی دارد. همچنین نتایج بیانگر آن است که کلاس هایی که در آنها معلمان از مدیریت تعاملی و دانش آموز محور استفاده می کنند، زمینه بیشتری برای پرسشگری، همکاری، مسئولیت پذیری و یادگیری عمیق فراهم می سازند. در مقابل، مدیریت اقتدارگرایانه و استفاده از روش های سنتی تدریس می تواند موجب کاهش انگیزه، افت مشارکت و انفعال دانش آموزان شود. بر اساس نتایج پژوهش، مدیریت مؤثر کلاس نه تنها به بهبود نظم آموزشی کمک می کند، بلکه بستر مناسبی برای رشد مهارت های اجتماعی، شناختی و عاطفی دانش آموزان فراهم می آورد. بنابراین توجه به اصول علمی مدیریت کلاس می تواند به ارتقای کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری و افزایش مشارکت فعال دانش آموزان منجر شود.

**کلیدواژه ها:** مدیریت کلاس، مشارکت فعال، فرایند یادگیری، روش های تدریس، تعامل معلم و دانش آموز، یادگیری فعال

- <sup>۱</sup>. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان ماکو، مقطع ابتدایی
- <sup>۲</sup>. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان ماکو، مقطع ابتدایی
- <sup>۳</sup>. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان ماکو، مقطع ابتدایی
- <sup>۴</sup>. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان ماکو، مقطع ابتدایی
- <sup>۵</sup>. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان ماکو، مقطع ابتدایی

## ۱. مقدمه

تحول در نظام‌های آموزشی معاصر بیش از هر زمان دیگری بر کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری تأکید دارد. در این میان، کلاس درس به‌عنوان اصلی‌ترین بستر تحقق اهداف تربیتی، جایگاهی محوری در نظام آموزشی دارد. اگرچه برنامه‌های درسی، اهداف آموزشی و منابع یادگیری نقش مهمی در تحقق یادگیری دارند، اما نحوه مدیریت کلاس و شیوه تعامل معلم با دانش‌آموزان عاملی تعیین‌کننده در اثربخشی این عناصر محسوب می‌شود. مدیریت کلاس تنها به معنای حفظ نظم و جلوگیری از رفتارهای نامطلوب نیست، بلکه مجموعه‌ای از راهبردها، مهارت‌ها و نگرش‌های حرفه‌ای معلم است که شرایط مناسب برای یادگیری فعال، معنادار و پایدار را فراهم می‌کند. در رویکردهای سنتی آموزش، مدیریت کلاس عمدتاً معادل کنترل رفتار دانش‌آموزان و حفظ سکوت و انضباط تلقی می‌شد. در چنین دیدگاهی، معلم نقش اقتدارگرایانه داشته و دانش‌آموزان بیشتر دریافت‌کننده منفعل اطلاعات بودند. اما با تحول نظریه‌های یادگیری و گسترش رویکردهای شناختی، سازنده‌گرایی و انسان‌گرایانه، مفهوم مدیریت کلاس نیز دستخوش تغییر شده است. امروزه مدیریت کلاس به معنای ایجاد محیطی حمایتی، تعاملی و انگیزشی است که در آن دانش‌آموزان بتوانند به‌صورت فعال در فرایند یادگیری مشارکت کنند. مشارکت فعال دانش‌آموزان یکی از شاخص‌های مهم کیفیت یادگیری است. مشارکت فعال صرفاً به حضور فیزیکی در کلاس یا پاسخ‌دادن به پرسش‌های معلم محدود نمی‌شود، بلکه شامل درگیری شناختی، عاطفی و رفتاری در فعالیتهای آموزشی است. دانش‌آموزی که به‌طور فعال مشارکت می‌کند، پرسش می‌پرسد، ایده‌پردازی می‌کند، با همکلاسی‌ها تعامل دارد، در بحث‌ها حضور مؤثر دارد و مسئولیت یادگیری خود را می‌پذیرد. چنین مشارکتی زمینه‌ساز یادگیری عمیق، افزایش انگیزش درونی و تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی می‌شود. در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی بر نقش محیط کلاس در افزایش مشارکت دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که ساختار کلاس، سبک رهبری معلم، شیوه‌های ارزشیابی، نحوه ارائه بازخورد و حتی نحوه چیدمان فیزیکی کلاس می‌تواند بر سطح مشارکت دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد. به بیان دیگر، مدیریت کلاس نه تنها یک مهارت اجرایی، بلکه عاملی روان‌شناختی و اجتماعی است که کیفیت تعاملات آموزشی را شکل می‌دهد. یکی از ابعاد مهم مدیریت کلاس، ایجاد جو روانی مثبت است. کلاس‌هایی که در آن‌ها احساس امنیت، احترام متقابل و حمایت وجود دارد، زمینه بیشتری برای مشارکت فعال فراهم می‌کنند. در چنین محیطی، دانش‌آموزان بدون ترس از تمسخر یا سرزنش، نظرات خود را بیان



می‌کنند و در فعالیت‌های گروهی مشارکت دارند. در مقابل، فضای تهدیدآمیز و تنبیهی می‌تواند به انفعال، اضطراب و کاهش انگیزه منجر شود. از سوی دیگر، نحوه برنامه‌ریزی آموزشی و تنوع در روش‌های تدریس نیز بخشی از مدیریت مؤثر کلاس محسوب می‌شود. استفاده از روش‌های تدریس فعال مانند یادگیری مشارکتی، بحث گروهی، حل مسئله، پروژه‌محوری و آموزش مبتنی بر پرسش، به افزایش درگیری شناختی دانش‌آموزان کمک می‌کند. این روش‌ها زمانی اثربخش خواهند بود که در چارچوب مدیریت منسجم کلاس اجرا شوند. در غیر این صورت، ممکن است به بی‌نظمی و کاهش تمرکز منجر شوند. تحولات فناوری و ورود ابزارهای دیجیتال به کلاس درس نیز مفهوم مدیریت کلاس را پیچیده‌تر کرده است. مدیریت کلاس در عصر دیجیتال مستلزم توانایی هدایت استفاده هدفمند از فناوری و جلوگیری از حواس‌پرتی‌های ناشی از آن است. در چنین شرایطی، معلم باید بتواند تعادل میان آزادی عمل دانش‌آموزان و هدایت آموزشی را حفظ کند. از منظر نظری، مدیریت کلاس با مفاهیمی چون انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی، خودتنظیمی و تعلق مدرسه‌ای ارتباط دارد. زمانی که معلم از راهبردهای حمایتی استفاده می‌کند، حس شایستگی و خودکارآمدی دانش‌آموزان تقویت می‌شود. این امر به افزایش تلاش، پشتکار و مشارکت فعال در فعالیت‌های یادگیری می‌انجامد. همچنین، تعامل مثبت معلم و دانش‌آموز می‌تواند احساس تعلق به کلاس و مدرسه را افزایش دهد که خود یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم مشارکت تحصیلی است. با توجه به اهمیت مشارکت فعال در یادگیری، بسیاری از نظام‌های آموزشی بر آموزش مهارت‌های مدیریت کلاس در برنامه‌های تربیت معلم تأکید کرده‌اند. معلمان کارآمد کسانی هستند که علاوه بر تسلط بر محتوا، توانایی سازمان‌دهی فعالیت‌ها، مدیریت زمان، هدایت تعاملات گروهی و پاسخ‌گویی به تفاوت‌های فردی را دارند. چنین مهارت‌هایی به‌طور مستقیم با افزایش فرصت‌های مشارکت دانش‌آموزان مرتبط است. در عین حال، باید توجه داشت که مدیریت کلاس پدیده‌ای چندبعدی است و تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد؛ از جمله ویژگی‌های شخصیتی معلم، نگرش‌های تربیتی، فرهنگ مدرسه، ساختار نظام آموزشی و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان. بنابراین بررسی رابطه مدیریت کلاس با مشارکت فعال دانش‌آموزان نیازمند نگاهی جامع و چندسطحی است. برخی محوره‌های کلیدی مرتبط با موضوع عبارتند از:

- تحول مفهوم مدیریت کلاس از رویکرد کنترلی به رویکرد تعاملی

- نقش جو عاطفی کلاس در یادگیری

- ارتباط مدیریت کلاس با انگیزش تحصیلی

- سبک های رهبری معلم و تأثیر آن بر مشارکت

- نقش تفاوت های فردی در مدیریت کلاس

- مدیریت کلاس در محیط های فناورانه

- تعامل همسالان و یادگیری مشارکتی

- تأثیر بازخورد مؤثر بر مشارکت

- نقش عدالت آموزشی در افزایش درگیری تحصیلی

با توجه به آنچه بیان شد، می توان گفت که مدیریت کلاس و مشارکت فعال دانش آموزان دو مؤلفه به هم پیوسته در فرایند یادگیری هستند. کیفیت مدیریت کلاس می تواند مسیر یادگیری را تسهیل یا تضعیف کند. از این رو بررسی نظام مند رابطه میان این دو متغیر می تواند به غنای دانش نظری در حوزه علوم تربیتی کمک کرده و راهنمایی عملی برای معلمان، مدیران مدارس و سیاست گذاران آموزشی فراهم آورد. پژوهش حاضر درصدد است با رویکردی مروری و تحلیلی، ابعاد مختلف مدیریت کلاس و تأثیر آن بر مشارکت فعال دانش آموزان را بررسی کند و با تبیین یافته های پژوهشی موجود، چارچوبی منسجم برای درک این رابطه ارائه دهد. امید است نتایج این مطالعه بتواند زمینه ساز بهبود کیفیت تعاملات آموزشی و ارتقای سطح یادگیری در کلاس های درس باشد.

## ۲. بیان مساله

مدیریت کلاس درس یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری در نظام های آموزشی محسوب می شود. کلاس درس محیطی است که در آن تعامل میان معلم و دانش آموزان شکل می گیرد و بخش عمده ای از فعالیت های آموزشی در آن انجام می شود. کیفیت این محیط تا حد زیادی به نحوه مدیریت آن بستگی دارد. اگر کلاس به درستی سازمان دهی و هدایت نشود، حتی بهترین برنامه های درسی و محتوای آموزشی نیز نمی توانند به نتایج مطلوب یادگیری منجر شوند. از این رو، مدیریت کلاس به عنوان یکی از مهارت های اساسی معلمان در ایجاد محیطی مناسب برای یادگیری مورد توجه پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفته است. در سال های اخیر، دیدگاه های نوین آموزشی بر نقش فعال دانش آموزان در فرایند یادگیری تأکید کرده اند. در این دیدگاه ها، یادگیری زمانی مؤثر و پایدار خواهد بود



که دانش‌آموزان به‌طور فعال در فعالیت‌های آموزشی مشارکت داشته باشند. مشارکت فعال به معنای درگیری ذهنی، عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان در فرایند یادگیری است. دانش‌آموزانی که در کلاس مشارکت فعال دارند، نه تنها به مطالب درسی توجه می‌کنند، بلکه در بحث‌ها شرکت می‌کنند، پرسش مطرح می‌کنند، با هم‌کلاسی‌های خود تعامل دارند و در حل مسائل آموزشی نقش فعالی ایفا می‌کنند. چنین مشارکتی موجب تعمیق یادگیری، افزایش انگیزش تحصیلی و تقویت مهارت‌های شناختی و اجتماعی می‌شود. با وجود اهمیت مشارکت فعال در یادگیری، در بسیاری از کلاس‌های درس هنوز الگوهای سنتی تدریس غالب است. در این الگوها، معلم نقش اصلی در انتقال اطلاعات را بر عهده دارد و دانش‌آموزان بیشتر به‌عنوان دریافت‌کنندگان منفعل دانش در نظر گرفته می‌شوند. در چنین شرایطی، فرصت‌های محدودی برای مشارکت فعال دانش‌آموزان فراهم می‌شود و یادگیری بیشتر به حفظ و بازتولید مطالب محدود می‌گردد. یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری چنین وضعیتی، شیوه مدیریت کلاس است. اگر مدیریت کلاس بر کنترل صرف رفتارها و حفظ نظم ظاهری متمرکز باشد، احتمال کاهش تعاملات آموزشی و مشارکت دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. در مقابل، مدیریت کلاس مبتنی بر تعامل، احترام متقابل و ایجاد فضای حمایتی می‌تواند زمینه مشارکت فعال دانش‌آموزان را فراهم کند. در چنین محیطی، معلم علاوه بر هدایت فعالیت‌های آموزشی، تلاش می‌کند فضایی ایجاد کند که دانش‌آموزان احساس امنیت روانی داشته باشند و بتوانند آزادانه دیدگاه‌ها و پرسش‌های خود را مطرح کنند. این نوع مدیریت کلاس باعث می‌شود دانش‌آموزان خود را بخشی از فرایند یادگیری بدانند و مسئولیت بیشتری در قبال یادگیری خود بپذیرند. پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که شیوه‌های مختلف مدیریت کلاس می‌تواند تأثیر متفاوتی بر مشارکت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. برای مثال، کلاس‌هایی که در آن‌ها معلم از روش‌های تدریس فعال و تعاملی استفاده می‌کند، معمولاً دارای سطح بالاتری از مشارکت دانش‌آموزان هستند. در این کلاس‌ها، فعالیت‌های گروهی، بحث‌های کلاسی، پرسش و پاسخ و حل مسئله نقش مهمی در فرایند یادگیری ایفا می‌کنند. در مقابل، کلاس‌هایی که در آن‌ها روش‌های تدریس یک‌سویه و معلم‌محور غالب است، اغلب با کاهش انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان مواجه می‌شوند. از سوی دیگر، مدیریت کلاس تنها به رفتار معلم محدود نمی‌شود، بلکه تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان، فرهنگ مدرسه، امکانات آموزشی و ساختار برنامه درسی قرار دارد. تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان از نظر توانایی‌های شناختی، سبک‌های یادگیری و ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند





بر نحوه مشارکت آنان در فعالیتهای کلاسی تأثیر بگذارد. بنابراین معلم برای ایجاد مشارکت فعال باید بتواند کلاس را به گونه ای مدیریت کند که این تفاوت ها در نظر گرفته شود و فرصت های یادگیری متنوعی برای همه دانش آموزان فراهم گردد. با وجود تأکید نظریه های آموزشی بر اهمیت مشارکت فعال دانش آموزان، در بسیاری از مدارس هنوز چالش هایی در این زمینه وجود دارد. برخی از کلاس ها با مشکلاتی مانند بی انگیزگی دانش آموزان، عدم مشارکت در فعالیتهای کلاسی، بی توجهی به کلاس مرتبط تعامل محدود میان معلم و دانش آموزان مواجه هستند. این مشکلات می تواند تا حد زیادی به نحوه مدیریت کلاس مرتبط باشد. مدیریت نامناسب کلاس ممکن است موجب کاهش فرصت های تعامل، محدود شدن فعالیتهای یادگیری و در نتیجه کاهش مشارکت دانش آموزان شود. با توجه به اهمیت مدیریت کلاس در ایجاد محیط یادگیری پویا و نقش آن در افزایش مشارکت فعال دانش آموزان، بررسی رابطه میان این دو متغیر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شناخت ابعاد مختلف این رابطه می تواند به معلمان کمک کند تا با استفاده از راهبردهای مؤثر مدیریت کلاس، شرایطی فراهم آورند که دانش آموزان با انگیزه و علاقه بیشتری در فرایند یادگیری مشارکت کنند. از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی این موضوع است که مدیریت کلاس چگونه می تواند بر میزان مشارکت فعال دانش آموزان در فرایند یادگیری تأثیر بگذارد. تبیین این رابطه می تواند به ارائه راهکارهایی برای بهبود کیفیت تعاملات آموزشی و ارتقای سطح یادگیری در کلاس های درس منجر شود و زمینه ساز بهره گیری مؤثرتر از ظرفیتهای آموزشی موجود در مدارس گردد. مدیریت کلاس درس یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری در نظام های آموزشی محسوب می شود. کلاس درس محیطی است که در آن تعامل میان معلم و دانش آموزان شکل می گیرد و بخش عمده ای از فعالیتهای آموزشی در آن انجام می شود. کیفیت این محیط تا حد زیادی به نحوه مدیریت آن بستگی دارد. اگر کلاس به درستی سازمان دهی و هدایت نشود، حتی بهترین برنامه های درسی و محتوای آموزشی نیز نمی توانند به نتایج مطلوب یادگیری منجر شوند. از این رو، مدیریت کلاس به عنوان یکی از مهارت های اساسی معلمان در ایجاد محیطی مناسب برای یادگیری مورد توجه پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفته است. در سال های اخیر، دیدگاه های نوین آموزشی بر نقش فعال دانش آموزان در فرایند یادگیری تأکید کرده اند. در این دیدگاه ها، یادگیری زمانی مؤثر و پایدار خواهد بود که دانش آموزان به طور فعال در فعالیتهای آموزشی مشارکت داشته باشند. مشارکت فعال به معنای درگیری ذهنی، عاطفی و رفتاری دانش آموزان در فرایند یادگیری است. دانش آموزانی که در کلاس مشارکت فعال



دارند، نه تنها به مطالب درسی توجه می کنند، بلکه در بحث ها شرکت می کنند، پرسش مطرح می کنند، با همکلاسی های خود تعامل دارند و در حل مسائل آموزشی نقش فعالی ایفا می کنند. چنین مشارکتی موجب تعمیق یادگیری، افزایش انگیزش تحصیلی و تقویت مهارت های شناختی و اجتماعی می شود. با وجود اهمیت مشارکت فعال در یادگیری، در بسیاری از کلاس های درس هنوز الگوهای سنتی تدریس غالب است. در این الگوها، معلم نقش اصلی در انتقال اطلاعات را بر عهده دارد و دانش آموزان بیشتر به عنوان دریافت کنندگان منفعل دانش در نظر گرفته می شوند. در چنین شرایطی، فرصت های محدودی برای مشارکت فعال دانش آموزان فراهم می شود و یادگیری بیشتر به حفظ و بازتولید مطالب محدود می گردد. یکی از عوامل مؤثر در شکل گیری چنین وضعیتی، شیوه مدیریت کلاس است. اگر مدیریت کلاس بر کنترل صرف رفتارها و حفظ نظم ظاهری متمرکز باشد، احتمال کاهش تعاملات آموزشی و مشارکت دانش آموزان افزایش می یابد. در مقابل، مدیریت کلاس مبتنی بر تعامل، احترام متقابل و ایجاد فضای حمایتی می تواند زمینه مشارکت فعال دانش آموزان را فراهم کند. در چنین محیطی، معلم علاوه بر هدایت فعالیت های آموزشی، تلاش می کند فضایی ایجاد کند که دانش آموزان احساس امنیت روانی داشته باشند و بتوانند آزادانه دیدگاه ها و پرسش های خود را مطرح کنند. این نوع مدیریت کلاس باعث می شود دانش آموزان خود را بخشی از فرایند یادگیری بدانند و مسئولیت بیشتری در قبال یادگیری خود بپذیرند. پژوهش های انجام شده در حوزه تعلیم و تربیت نشان می دهد که شیوه های مختلف مدیریت کلاس می تواند تأثیر متفاوتی بر مشارکت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان داشته باشد. برای مثال، کلاس هایی که در آن ها معلم از روش های تدریس فعال و تعاملی استفاده می کند، معمولاً دارای سطح بالاتری از مشارکت دانش آموزان هستند. در این کلاس ها، فعالیت های گروهی، بحث های کلاسی، پرسش و پاسخ و حل مسئله نقش مهمی در فرایند یادگیری ایفا می کنند. در مقابل، کلاس هایی که در آن ها روش های تدریس یک سوویه و معلم محور غالب است، اغلب با کاهش انگیزش و مشارکت دانش آموزان مواجه می شوند. از سوی دیگر، مدیریت کلاس تنها به رفتار معلم محدود نمی شود، بلکه تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله ویژگی های فردی دانش آموزان، فرهنگ مدرسه، امکانات آموزشی و ساختار برنامه درسی قرار دارد. تفاوت های فردی دانش آموزان از نظر توانایی های شناختی، سبک های یادگیری و ویژگی های شخصیتی می تواند بر نحوه مشارکت آنان در فعالیت های کلاسی تأثیر بگذارد. بنابراین معلم برای ایجاد مشارکت فعال باید بتواند کلاس را به گونه ای مدیریت کند که این تفاوت ها در نظر گرفته شود و فرصت های یادگیری متنوعی برای همه دانش آموزان فراهم



گردد. با وجود تأکید نظریه های آموزشی بر اهمیت مشارکت فعال دانش آموزان، در بسیاری از مدارس هنوز چالش هایی در این زمینه وجود دارد. برخی از کلاس ها با مشکلاتی مانند بی انگیزگی دانش آموزان، عدم مشارکت در فعالیت های کلاسی، بی توجهی به کلاس مرتبط تعامل محدود میان معلم و دانش آموزان مواجه هستند. این مشکلات می تواند تا حد زیادی به نحوه مدیریت کلاس مرتبط باشد. مدیریت نامناسب کلاس ممکن است موجب کاهش فرصت های تعامل، محدود شدن فعالیت های یادگیری و در نتیجه کاهش مشارکت دانش آموزان شود. با توجه به اهمیت مدیریت کلاس در ایجاد محیط یادگیری پویا و نقش آن در افزایش مشارکت فعال دانش آموزان، بررسی رابطه میان این دو متغیر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. شناخت ابعاد مختلف این رابطه می تواند به معلمان کمک کند تا با استفاده از راهبردهای مؤثر مدیریت کلاس، شرایطی فراهم آورند که دانش آموزان با انگیزه و علاقه بیشتری در فرایند یادگیری مشارکت کنند. از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی این موضوع است که مدیریت کلاس چگونه می تواند بر میزان مشارکت فعال دانش آموزان در فرایند یادگیری تأثیر بگذارد. تبیین این رابطه می تواند به ارائه راهکارهایی برای بهبود کیفیت تعاملات آموزشی و ارتقای سطح یادگیری در کلاس های درس منجر شود و زمینه ساز بهره گیری مؤثرتر از ظرفیت های آموزشی موجود در مدارس گردد.

### ۳. ضرورت پژوهش

در نظام های آموزشی معاصر، یکی از مهم ترین دغدغه های متخصصان تعلیم و تربیت ارتقای کیفیت یادگیری دانش آموزان است. کیفیت یادگیری تنها به میزان انتقال اطلاعات محدود نمی شود، بلکه به میزان درگیری ذهنی، انگیزشی و رفتاری دانش آموزان در فرایند یادگیری نیز بستگی دارد. در این میان، مشارکت فعال دانش آموزان به عنوان یکی از شاخص های مهم یادگیری مؤثر مورد توجه پژوهشگران و برنامه ریزان آموزشی قرار گرفته است. زمانی که دانش آموزان به صورت فعال در فعالیت های آموزشی مشارکت می کنند، یادگیری عمیق تر، پایدارتر و معنادارتر شکل می گیرد. با این حال، در بسیاری از کلاس های درس هنوز شرایطی فراهم نشده است که دانش آموزان بتوانند به طور کامل در فرایند یادگیری مشارکت داشته باشند. یکی از عوامل مهمی که می تواند زمینه مشارکت فعال دانش آموزان را فراهم کند، نحوه مدیریت کلاس توسط معلم است. مدیریت کلاس مناسب می تواند محیطی منظم، امن و انگیزشی ایجاد کند که در آن دانش آموزان با اطمینان و علاقه در فعالیت های آموزشی شرکت کنند. در مقابل، مدیریت نامناسب کلاس ممکن است به کاهش تعاملات





آموزشی، بی‌انگیزگی دانش‌آموزان و افت کیفیت یادگیری منجر شود. از این رو، بررسی نقش مدیریت کلاس در افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان می‌تواند به بهبود عملکرد آموزشی معلمان و ارتقای کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری کمک کند. از سوی دیگر، با توجه به تغییر رویکردهای آموزشی از شیوه‌های معلم‌محور به روش‌های دانش‌آموز‌محور، توجه به مهارت‌های مدیریت کلاس بیش از گذشته اهمیت یافته است. در رویکردهای جدید، معلم علاوه بر انتقال دانش، وظیفه هدایت تعاملات آموزشی، ایجاد انگیزش و فراهم کردن فرصت‌های یادگیری فعال را بر عهده دارد. بنابراین شناخت رابطه میان مدیریت کلاس و مشارکت دانش‌آموزان می‌تواند راهنمایی مؤثر برای معلمان، مدیران مدارس و برنامه‌ریزان آموزشی در جهت بهبود محیط‌های یادگیری باشد.

#### ۴. اهداف پژوهش

- هدف کلی پژوهش: بررسی رابطه مدیریت کلاس با مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرایند یادگیری

- اهداف جزئی:

- تبیین مفهوم و ابعاد مدیریت کلاس در محیط‌های آموزشی
- بررسی نقش مدیریت کلاس در ایجاد انگیزش و تعامل در کلاس درس
- تحلیل تأثیر شیوه‌های مختلف مدیریت کلاس بر میزان مشارکت دانش‌آموزان
- ارائه چارچوبی نظری برای بهبود مشارکت فعال دانش‌آموزان از طریق مدیریت مؤثر کلاس

#### ۵. سوالات پژوهش

- مدیریت کلاس چه نقشی در افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرایند یادگیری دارد؟
- کدام ابعاد مدیریت کلاس بیشترین تأثیر را بر مشارکت دانش‌آموزان دارند؟
- چگونه شیوه‌های مختلف مدیریت کلاس می‌توانند بر تعاملات آموزشی در کلاس درس تأثیر بگذارند؟
- چه راهبردهایی در مدیریت کلاس می‌تواند زمینه مشارکت فعال‌تر دانش‌آموزان را فراهم کند؟

#### ۶. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات مروری است که با هدف بررسی رابطه مدیریت کلاس با مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرایند یادگیری انجام شده است. در این مطالعه، داده‌ها از طریق بررسی منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب‌های تخصصی

حوزه علوم تربیتی، روان‌شناسی تربیتی، مدیریت آموزشی و همچنین مقالات علمی معتبر داخلی و خارجی گردآوری شده است. پس از شناسایی منابع مرتبط، مطالب و یافته‌های پژوهشی مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفت تا ابعاد مختلف مدیریت کلاس و تأثیر آن بر مشارکت فعال دانش‌آموزان تبیین شود. در نهایت، با استفاده از روش تحلیل توصیفی - تحلیلی، نتایج مطالعات پیشین ترکیب و چارچوبی منسجم برای درک رابطه میان مدیریت کلاس و مشارکت دانش‌آموزان ارائه شد.

## ۷. یافته‌های پژوهش

بررسی مطالعات انجام‌شده در حوزه تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که مدیریت کلاس یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری محیط یادگیری پویا و افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان است. کلاس درس محیطی اجتماعی است که در آن تعامل میان معلم و دانش‌آموزان نقش مهمی در کیفیت یادگیری ایفا می‌کند. شیوه مدیریت این محیط می‌تواند میزان درگیری شناختی، عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان در فعالیتهای آموزشی را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از مهم‌ترین ابعاد مدیریت کلاس، ایجاد نظم و ساختار در فعالیتهای آموزشی است. وجود نظم در کلاس به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا تمرکز بیشتری بر یادگیری داشته باشند و زمان کلاس به‌صورت مؤثرتری مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، نظم در کلاس به معنای سکوت مطلق یا محدود کردن تعاملات نیست، بلکه به معنای ایجاد چارچوبی مشخص برای فعالیتهای آموزشی است که در آن دانش‌آموزان بتوانند به‌طور فعال در یادگیری مشارکت کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رابطه مثبت و حمایتی میان معلم و دانش‌آموزان یکی از عوامل مؤثر در افزایش مشارکت فعال است. زمانی که دانش‌آموزان احساس کنند معلم به نظرات و دیدگاه‌های آنان احترام می‌گذارد، اعتماد بیشتری به محیط کلاس پیدا می‌کنند و با انگیزه بیشتری در فعالیتهای آموزشی شرکت می‌کنند. این نوع رابطه می‌تواند به ایجاد جو عاطفی مثبت در کلاس منجر شود که خود زمینه‌ساز مشارکت بیشتر دانش‌آموزان است. از دیگر عوامل مرتبط با مدیریت کلاس، استفاده از روش‌های تدریس فعال است. روش‌هایی مانند بحث گروهی، یادگیری مشارکتی، حل مسئله و پروژه‌محوری می‌توانند دانش‌آموزان را به مشارکت بیشتر در فرایند یادگیری ترغیب کنند. این روش‌ها زمانی بیشترین اثربخشی را دارند که در چارچوب مدیریت منظم کلاس اجرا شوند و معلم بتواند تعاملات گروهی را به‌خوبی هدایت کند. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که بازخورد مؤثر معلم می‌تواند نقش مهمی در افزایش مشارکت دانش‌آموزان داشته باشد. بازخورد سازنده به دانش‌آموزان



کمک می‌کند تا نقاط قوت و ضعف خود را بشناسند و انگیزه بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های آموزشی پیدا کنند. بازخورد مثبت و تشویق مناسب می‌تواند احساس شایستگی و خودکارآمدی را در دانش‌آموزان تقویت کند. توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان نیز یکی از جنبه‌های مهم مدیریت کلاس است. دانش‌آموزان از نظر توانایی‌های شناختی، سبک‌های یادگیری و ویژگی‌های شخصیتی با یکدیگر تفاوت دارند. معلمانی که این تفاوت‌ها را در نظر می‌گیرند و فرصت‌های یادگیری متنوعی برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند، معمولاً کلاس‌هایی با سطح مشارکت بالاتر دارند. عامل دیگری که در مدیریت کلاس اهمیت دارد، نحوه سازمان‌دهی فعالیت‌های گروهی است. فعالیت‌های گروهی می‌توانند فرصت مناسبی برای تعامل میان دانش‌آموزان فراهم کنند و آنان را در یادگیری فعال درگیر سازند. در این فعالیت‌ها، دانش‌آموزان با تبادل نظر و همکاری با یکدیگر، درک عمیق‌تری از مفاهیم درسی پیدا می‌کنند. مطالعات همچنین نشان می‌دهد که سبک رهبری معلم می‌تواند بر مشارکت دانش‌آموزان تأثیر قابل‌توجهی داشته باشد. معلمانی که از سبک رهبری دموکراتیک استفاده می‌کنند و دانش‌آموزان را در تصمیم‌گیری‌های آموزشی مشارکت می‌دهند، معمولاً فضای تعاملی‌تری در کلاس ایجاد می‌کنند. در چنین فضایی، دانش‌آموزان احساس مسئولیت بیشتری نسبت به یادگیری خود دارند. از سوی دیگر، استفاده صرف از روش‌های اقتدارگرایانه در مدیریت کلاس ممکن است موجب کاهش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان شود. در کلاس‌هایی که تأکید بیش از حد بر کنترل و تنبیه وجود دارد، دانش‌آموزان ممکن است از بیان دیدگاه‌های خود خودداری کنند و نقش منفعل‌تری در یادگیری داشته باشند. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که مدیریت کلاس زمانی می‌تواند به افزایش مشارکت دانش‌آموزان منجر شود که معلم بتواند تعادلی میان نظم و آزادی تعامل ایجاد کند. این تعادل به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا در چارچوبی مشخص، به‌طور فعال در فعالیت‌های یادگیری مشارکت داشته باشند.

جدول ۱. ابعاد مدیریت کلاس و تأثیر آن بر مشارکت دانش‌آموزان

| پیامد مشارکت دانش‌آموزان        | راهبردهای مدیریت کلاس                |
|---------------------------------|--------------------------------------|
| افزایش انگیزش تحصیلی            | ایجاد جو عاطفی مثبت در کلاس          |
| تقویت تعاملات کلاسی             | استفاده از روش‌های تدریس فعال        |
| افزایش مسئولیت‌پذیری در یادگیری | مشارکت دادن دانش‌آموزان در فعالیت‌ها |
| بهبود همکاری میان دانش‌آموزان   | سازمان‌دهی فعالیت‌های گروهی          |
| افزایش اعتمادبه‌نفس تحصیلی      | ارائه بازخورد سازنده و حمایتی        |



در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت مؤثر کلاس می‌تواند نقش مهمی در افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان ایفا کند. معلمانی که از راهبردهای تعاملی، حمایتی و دانش‌آموزمحور استفاده می‌کنند، محیطی ایجاد می‌کنند که در آن دانش‌آموزان با انگیزه و علاقه بیشتری در فرایند یادگیری مشارکت دارند.

### نتیجه‌گیری

مدیریت کلاس یکی از مؤلفه‌های اساسی در فرایند آموزش و یادگیری به شمار می‌آید که نقش مهمی در کیفیت تعاملات آموزشی و میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیتهای یادگیری دارد. کلاس درس محیطی اجتماعی و پویا است که در آن عوامل مختلفی از جمله شیوه‌های تدریس، تعاملات انسانی، ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان و سبک رهبری معلم بر روند یادگیری تأثیر می‌گذارند. در این میان، نحوه مدیریت کلاس می‌تواند شرایطی فراهم آورد که دانش‌آموزان به‌صورت فعال در فرایند یادگیری درگیر شوند و از فرصت‌های آموزشی موجود بیشترین بهره را ببرند. نتایج بررسی‌های نظری و مطالعات انجام‌شده در حوزه تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که مدیریت کلاس مؤثر می‌تواند زمینه‌ساز افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرایند یادگیری باشد. معلمانی که از راهبردهای مدیریتی مبتنی بر تعامل، احترام متقابل و ایجاد فضای حمایتی استفاده می‌کنند، معمولاً محیطی ایجاد می‌کنند که در آن دانش‌آموزان با انگیزه و اعتماد بیشتری در فعالیتهای کلاسی مشارکت دارند. در چنین محیطی، دانش‌آموزان فرصت می‌یابند تا دیدگاه‌ها و پرسش‌های خود را مطرح کنند، در بحث‌های کلاسی مشارکت داشته باشند و از طریق تعامل با معلم و همکلاسی‌ها به درک عمیق‌تری از مفاهیم درسی دست یابند. از سوی دیگر، استفاده از روش‌های تدریس فعال به‌عنوان بخشی از مدیریت مؤثر کلاس می‌تواند نقش مهمی در افزایش مشارکت دانش‌آموزان داشته باشد. روش‌هایی مانند یادگیری مشارکتی، بحث گروهی، حل مسئله و پروژه‌محوری دانش‌آموزان را به مشارکت بیشتر در فعالیتهای آموزشی ترغیب می‌کند و زمینه درگیری شناختی آنان را فراهم می‌سازد. این روش‌ها زمانی بیشترین اثربخشی را دارند که در چارچوب مدیریت منظم و هدفمند کلاس اجرا شوند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایجاد جو عاطفی مثبت در کلاس از عوامل مهم در افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان است. زمانی که دانش‌آموزان احساس امنیت روانی و احترام در محیط کلاس داشته باشند، تمایل بیشتری برای بیان دیدگاه‌ها و مشارکت در فعالیتهای آموزشی نشان می‌دهند. رابطه مثبت و حمایتی میان معلم و دانش‌آموزان می‌تواند انگیزش تحصیلی را تقویت کرده و زمینه مشارکت بیشتر در فرایند یادگیری را فراهم



آورد. توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان نیز از جمله عوامل مهم در مدیریت کلاس است. دانش آموزان از نظر توانایی های شناختی، سبک های یادگیری و ویژگی های شخصیتی با یکدیگر متفاوت هستند و مدیریت کلاس باید به گونه ای باشد که این تفاوت ها مورد توجه قرار گیرد. فراهم کردن فرصت های یادگیری متنوع و استفاده از روش های تدریس انعطاف پذیر می تواند به افزایش مشارکت دانش آموزان با توانایی ها و ویژگی های مختلف کمک کند. در مجموع می توان گفت که مدیریت کلاس فراتر از حفظ نظم و کنترل رفتارهای دانش آموزان است و شامل مجموعه ای از مهارت ها و راهبردها برای ایجاد محیطی مناسب جهت یادگیری فعال و مؤثر می شود. معلمانی که توانایی مدیریت صحیح کلاس را دارند، می توانند فضای آموزشی پویا و تعاملی ایجاد کنند که در آن دانش آموزان با انگیزه و علاقه در فرایند یادگیری مشارکت داشته باشند. بنابراین توجه به آموزش مهارت های مدیریت کلاس در برنامه های تربیت معلم و دوره های توانمندسازی حرفه ای می تواند گامی مؤثر در جهت ارتقای کیفیت آموزش و بهبود مشارکت دانش آموزان در کلاس های درس باشد.

#### منابع

- احمدی، م. (۱۳۹۴). روان شناسی تربیتی. تهران: نشر رشد.
- سیف، ع. ا. (۱۳۹۳). روان شناسی پرورشی: روان شناسی یادگیری و آموزش. تهران: انتشارات آگاه.
- شعبانی، ح. (۱۳۹۲). مهارت های آموزشی و پرورشی: روش ها و فنون تدریس. تهران: سمت.
- شریعتمداری، ع. (۱۳۹۰). اصول و فلسفه آموزش و پرورش. تهران: امیرکبیر.
- علاقه بند، ع. (۱۳۹۱). مدیریت آموزشی. تهران: روان.
- کدیور، پ. (۱۳۹۴). روان شناسی تربیتی. تهران: سمت.
- مهرمحمدی، م. (۱۳۹۲). برنامه ریزی درسی. تهران: سمت.
- نیکنامی، م. (۱۳۹۵). مدیریت کلاس درس. تهران: نشر دانشگاهی.
- اورنشتاین، آ. و هانکینز، ف. (۱۳۹۴). مبانی برنامه ریزی درسی (ترجمه فارسی). تهران: نشر آگه.
- Anderson, L. W. (2013). Classroom management and student engagement. Educational Psychology Review, 25(3), 389–407.





- Emmer, E. T., & Sabornie, E. J. (2015). Handbook of classroom management. New York: Routledge.
- Evertson, C. M., & Weinstein, C. S. (2013). Handbook of classroom management: Research, practice, and contemporary issues. New York: Routledge.
- Fredricks, J. A., Blumenfeld, P. C., & Paris, A. H. (2004). School engagement: Potential of the concept and state of the evidence. *Review of Educational Research*, 74(1), 59–109.
- Marzano, R. J. (2011). Classroom management that works: Research-based strategies for every teacher. Alexandria, VA: ASCD.
- Pianta, R. C., Hamre, B. K., & Allen, J. P. (2012). Teacher–student relationships and engagement. *Handbook of Research on Student Engagement*.
- Skinner, E. A., & Belmont, M. J. (1993). Motivation in the classroom: Reciprocal effects of teacher behavior and student engagement. *Journal of Educational Psychology*, 85(4), 571–581.
- Wentzel, K. R. (2012). Teacher–student relationships and adolescent competence. *Educational Psychologist*, 47(3), 205–215.